

بررسی رابطه نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی

سیدعلی حسینی*، مریم فلاح جوشقانی**

تاریخ دریافت: ۲۵ / ۰۶ / ۹۶

تاریخ پذیرش: ۰۵ / ۱۰ / ۹۶

چکیده

مدیریت سود مداخله عمدی در فرآیند گزارشگری مالی برای بدست آوردن سطح مورد انتظار سود می‌باشد. یعنی با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت، ممکن است سود افزایش و یا کاهش یابد و یا هموار شود. حال به نظر می‌رسد که ساختار بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند مزایای نظارتی داشته باشد. زیرا موجب نظارت بیش‌تر از سوی بستانکاران می‌شود و در نتیجه موجب کاهش مدیریت سود می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر نظارت از طریق بدهی‌های کوتاه‌مدت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌باشد. برای انجام این پژوهش، ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفته است. برای سنجش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، از معیار ارقام تعهدی اختیاری استفاده شده که با استفاده از مدل ارائه شده توسط سیمن و فانگ (۲۰۱۴) مورد محاسبه قرار گرفت. روش تحقیق مورد استفاده روش همبستگی و روش تحلیل داده‌ها رگرسیون چندمتغیره می‌باشد. نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری پایین بود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که بین بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، بدهی کوتاه‌مدت، نظارت، هزینه‌های نمایندگی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41.

DOI: 10.22051/jera.2018.17246.1789

* استادیار حسابداری، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول، (a.hosseini@alzahra.ac.ir).

** کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، (fallah.m.70@gmail.com).

مقدمه

استفاده از بدهی بانکی، سازوکاری است که می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه نمایندگی بین اعتباردهندگان، سهامداران و مدیران را کاهش دهد. از منظر استقراض‌کننده شرکت‌هایی که دارای پروژه‌های خوب (خالص ارزش فعلی مثبت) و تحت وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی قرار دارند، بدهی با سررسید کوتاه تر را بمنظور انتقال علامت‌هایی به بازار برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ترجیح می‌دهند. از منظر وام‌دهنده، زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد، استفاده از بدهی کوتاه مدت برای نظارت بر شرکت‌ها مناسبتر از بدهی بلند مدت است (دیموند ۱۹۹۱ به نقل از سیمن و فانگ ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، کوتاه تر کردن سررسید بدهی به مدیر اجازه می‌دهد تا کنترل بهتری را اعمال کند، زیرا سررسید با مدت زمان کوتاه، مذاکرات مجدد در دوره زمانی کوتاه را فراهم می‌کند. در زمانی که وام‌دهنده با استقراض‌کننده قرارداد منعقد می‌کند، وام‌دهنده می‌تواند در طول اولین دوره شرکت، عملکرد شرکت را مشخص کند، و پس از آن نسبت به تجدید یا تغییر شرایط و ضوابط قرارداد تصمیم بگیرد.^۱ از این رو با استفاده بیشتر از بدهی بانکی انتظار می‌رود عدم تقارن اطلاعاتی، گزینش نامناسب و تضاد نمایندگی کاهش یابد (سگورا و سوآرز ۲۰۱۰، تارولو ۲۰۰۹ به نقل از زارعی ۱۳۹۴).

تمامی اعتباردهندگان بر بدهکاران خود نظارت می‌کنند، اما در صورت استفاده از بدهی بانکی، به علت مزیت نظارتی بدهی بانکی در مقایسه با بدهی غیر بانکی، اگر درون سازمانی‌ها از وظایف خود شانه خالی کنند، امکان تجدیدقرارداد بدهی بانکی کاهش پیدا می‌کند و یا اینکه هزینه تجدیدقرارداد افزایش می‌یابد (داتا ۲۰۰۵، به نقل از سیمن و فانگ ۲۰۱۴). در غیاب وجود هدف مشترک برای مدیران و سهامداران، مدیران منفعت طلب، بدهی بلندمدت را ترجیح می‌دهند. مدیرانی که بدهی کوتاه مدت را برمی‌گزینند، نسبت به شرکت‌هایی که از بدهی بلندمدت استفاده می‌کنند، خود را در معرض نظارت بیشتری قرار می‌دهند.

افزایش کیفیت ارقام تعهدی (کیفیت اطلاعات حسابداری) و کوتاه‌تر کردن سررسید بدهی بانکی به عنوان روش‌هایی برای کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و نظارت بر آنان محسوب می‌شود. برخی مفاهیم همچون کاهش هزینه سرمایه و هزینه بدهی و دسترسی آسانتر به بازار بدهی به شرط هزینه و تضامین کمتر در تأمین مالی از طریق بدهی‌های بانکی، در ارتباط با این

مساله مطرح می‌شوند (زارعی ۱۳۹۴). بهبود کیفیت اقلام تعهدی و کوتاه‌تر کردن سررسید بدهی (به‌وسیله نظارت بیشتر سرمایه‌گذاران) مدیران را پاسخگوتر می‌کند و از اینرو عدم تقارن اطلاعاتی شامل خطر اخلاقی و گزینش نامناسب کاهش می‌یابد (زارعی، ۱۳۹۴).

این تحقیق به بررسی رابطه نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی تاکید دارد.

مدیریت سود

مدیریت سود زمانی روی می‌دهد که مدیریت قضاوت شخصی خود را در گزارش‌گری مالی و ساختار معاملات اعمال می‌نماید به گونه‌ای که گزارش‌های بدیل و جایگزینی را در رابطه با عملکرد شرکت جهت گمراه کردن برخی ذینفعان ارائه می‌نماید. تعریف رایج شده از مدیریت سود از دو جنبه اساسی برخوردار می‌باشد. نخست توانایی اعمال نظر شخصی مدیر مطرح شده است. این بدان معنی است که مدیریت در مورد رویه‌ها و اصول برای گزارش‌گری از حق انتخاب برخوردار می‌باشد از نمونه‌های بارز در این زمینه می‌توان به طرح متنوع بازنشستگی، برآورد عمر مفید و ارزش اسقاط دارایی‌های بلند مدت، مالیات‌های معوق و روش‌های رایج در زمینه ارزش‌گذاری موجودی‌ها اشاره نمود. نکته دوم به گمراه کردن برخی ذینفعان اشاره دارد و این زمانی اتفاق خواهد افتاد که مدیران در موقعیتی قرار می‌گیرند که به اطلاعاتی دسترسی پیدا می‌کنند که استفاده‌کنندگان از آن بی‌اطلاع می‌باشند (هلی و والز ۱۹۸۸ به نقل از پورزمانی و همکاران ۱۳۸۹).

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می‌توان از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌باشد. این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌های ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود. اصول تطابق و محافظه‌کاری نیز می‌تواند باعث مدیریت سود شود (میلر و جون ۲۰۰۱ به نقل از نورو و همکاران ۱۳۸۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها از روی قصد، سودهای گزارش شده را با استفاده از انتخاب سیاست‌های حسابداری خاص خود تغییر در برآوردهای حسابداری و ارقام تعهدی، دستکاری می‌کنند تا به هدف‌های موردنظر خود برسند. (میلر و جون ۲۰۰۱ به نقل از نوروش و همکاران ۱۳۸۴).

تئوری نمایندگی

تئوری نمایندگی در واقع، وادار کردن یک نماینده به رفتاری است که نماینده، رفاه مالک را بیشینه کند. طبق این تئوری در چارچوب رابطه بین مدیر و سهامدار، مسئولیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی طی قرارداد مشخصی به مدیر واگذار می‌شود. اگر در قرارداد، که می‌توان از آن به عنوان قرارداد بهینه یاد کرد، به تمام جوانب و منافع دو طرف توجه نشود، این امر می‌تواند باعث از بین بردن انگیزه و یا حتی زمینه‌های برای فساد مالی، اختلاس و رشوه شود. مدیران می‌توانند از آگاهی خود درباره فعالیت‌های تجاری شرکت برای بهبود اثربخشی صورت‌های مالی، به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان بالقوه، استفاده نمایند. با این حال، چنانچه مدیران برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه‌های حسابداری در گزارشگری مالی، انگیزه‌هایی داشته باشند، احتمال می‌رود مدیریت سود رخ دهد (انصاری و همکاران ۱۳۹۳).

تئوری نمایندگی بیان می‌کند که تحت شرایطی بدهی کوتاه‌مدت مشکل‌ناکارایی سرمایه‌گذاری و تخصیص غیربهینه منابع را کاهش می‌دهد. انتشار بدهی کوتاه‌مدت امکان نظارت ادواری اعتباردهندگان را بر عملکرد شرکت فراهم می‌سازد. اعتباردهندگان کوتاه‌مدت بیشتر از اعتباردهندگان بلندمدت تمایل به نظارت بر عملکرد شرکت دارند. این نظارت مشکل تضاد نمایندگی را تا حد زیادی حل می‌کند. از طرفی این امر موجب می‌شود تا تأمین مالی شرکت آسان‌تر صورت گیرد و هزینه سرمایه کمتری به شرکت تحمیل شود. در نتیجه تمام پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبت مورد انتخاب قرار می‌گیرند. از این رو میزان سرمایه‌گذاری به اندازه بهینه صورت می‌گیرد (دیچاو و همکاران ۲۰۰۲ به نقل از سیمن و فانگک ۲۰۱۴).

نقش نظارتی وام‌های کوتاه‌مدت

تمامی وام‌دهندگان بر وام‌گیرندگان خود نظارت دارند، اما مزیت نظارت از طریق بدهی کوتاه مدت در برابر بدهی‌های بلند مدت، قابلیت بیشتر بدهی‌های کوتاه مدت برای خروج از شرایط وام و نیز برای تحمیل هزینه‌های اضافی در صورت عدول است، چرا که بدهی‌های کوتاه‌مدت نسبت به بدهی‌های بلندمدت دارای قابلیت تجدید یا عدم تجدید قرارداد بدهی می‌باشند (راجان و وینتون ۱۹۹۵، استالز ۲۰۰۰). (مایرز ۱۹۷۷) کوتاه کردن مدت زمان سررسید بدهی‌های کوتاه مدت را به منظور کاهش مشکل سرمایه‌گذاری ناکافی توصیه می‌کند. نقش نظارت با استفاده از بدهی‌های کوتاه مدت نیز توسط (داتا و همکاران ۲۰۰۵) نشان داده شده است که اینگونه استدلال می‌کنند که در غیاب هدف هم‌ترازی بین مدیران و سهامداران، بیشتر مدیران منفعت طلب، سررسید بدهی‌های بلند مدت را ترجیح می‌دهند. مدیرانی که بدهی‌های کوتاه مدت را انتخاب می‌کنند، خود و شرکت‌هایشان را بیشتر از کسانی که بدهی‌های بلند مدت را انتخاب می‌کنند، در معرض نظارت قرار می‌دهند. همچنین نشان می‌دهند که مدیران با مالکیت سهم بیشتر در شرکت خود، از بدهی کوتاه مدت بیشتری استفاده می‌کنند که استدلال آن‌ها با تمایل مدیران به در معرض بیشتر نظارت قرار گرفتن سازگار است. شرکت‌هایی که بدهی‌های کوتاه‌مدت را انتخاب می‌کنند، بیشتر احتمال دارد تا با کاهش هزینه‌های سازمان در ارتباط باشند، و به عنوان یک نتیجه‌گیری، این شرکت‌ها تمایل کمتری برای درگیر شدن با مدیریت سود را دارند (سیمن و فانگ ۲۰۱۴).

اهداف و ضرورت تحقیق

اطلاعات حسابداری و بدنبال آن سود حسابداری به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است و در این راستا هر جریانی که سود را به طریقی دستخوش تغییر نماید نیز اهمیت می‌یابد. انجام تحقیق در خصوص رابطه بین سررسید بدهی کوتاه مدت و نظارت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار می‌تواند در تغییر احتمالی رویه‌های موجود و همچنین برای سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری و تدوین استراتژی‌های سرمایه‌گذاری مفید باشد. سود حسابداری و اجزای مربوط به آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. این رقم بر مبنای ارقام تعهدی محاسبه و شناسایی می‌شود. براساس رویکرد تعهدی در صورت

تحقق درآمدها و وقوع هزینه‌ها می‌توان سود را گزارش کرد. از آن‌جا که در مبنای تعهدی لزوماً شناسایی درآمدها و هزینه‌ها همراه با دریافت و پرداخت وجه نقد نبوده، و در محاسبه سود نیز از پیش‌بینی‌ها و برآوردها استفاده می‌شود، از این‌رو این پرسش مطرح می‌شود که تا چه میزان می‌توان به این رقم در هنگام اخذ تصمیم اطمینان کرد. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت پیدا می‌کند که اخذ تصمیم نادرست به سبب اطلاعات ناکافی و ناصحیح موجب می‌شود که تسهیم منابع به صورت ناعادلانه انجام شود.

پیشینه تحقیق

سیمن و فانگ (۲۰۱۴) طی پژوهشی به بررسی تأثیر نظارت از طریق استفاده از بدهی کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی برای دوره ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ در ۳۳۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس ایالت متحده (US) پرداختند. این محققین فرضیه خود را برای شرکت‌های با رتبه اعتباری بالا و متوسط بطور جداگانه مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بدهی کوتاه مدت با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی (با ارقام تعهدی اختیاری اندازه‌گیری شده است) بطور مثبت همراه است که با تئوری آشفتگی مالی سازگار است. این محققان همچنین نشان دادند که این رابطه برای شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا ضعیفتر است.

گوماریز و جان پدرو (۲۰۱۳) در تحقیق خود به موضوع کیفیت گزارش‌گری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری پرداختند. آن‌ها در مطالعه خود که با نمونه‌ای متشکل از کمپانی‌های اسپانیایی ثبت شده بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ به انجام رسیده است، نقش کیفیت گزارش‌گری مالی و سررسید بدهی در کارایی سرمایه‌گذاری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که کیفیت گزارش‌گری مالی شدت مسئله‌ی سرمایه‌گذاری بیش از حد را کاهش می‌دهد. به همان ترتیب، سررسید بدهی کوتاه‌تر می‌تواند با کاهش مشکلات سرمایه‌گذاری بیش از حد و سرمایه‌گذاری کم‌تر از حد، کارایی سرمایه‌گذاری را ارتقا دهد. گذشته از این، نتایج نشان می‌دهد که کیفیت گزارش‌گری مالی و سررسید بدهی دو ساز و کار قابل جایگزینی در ارتقای کارایی سرمایه‌گذاری هستند: بنگاه‌هایی که از وام کوتاه مدت بیشتری

(کمتری) استفاده می‌کنند، تأثیر بیش‌تر (کم‌تر) کیفیت گزارشگری مالی بر کارایی سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهند.

پدرو گارسیا و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی نقش کیفیت اقلام تعهدی در دسترسی به وام بانکی پرداختند. این کار از طریق داده‌های پانلی بنگاه‌های کوچک و متوسط اسپانیایی به تحلیل تأثیر کیفیت اقلام تعهدی در دسترسی بنگاه‌ها به قرض بانکی می‌پردازد. نتایج رابطه‌ی مثبت بین کیفیت اقلام تعهدی و وام بانکی را نشان می‌دهد، حتی زمانی که سایر مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ی وام بانکی و درون‌زایی احتمالی بین وام بانکی و کیفیت اقلام تعهدی تحت کنترل قرار می‌گیرند. این نشان می‌دهد که میزان بالاتر دقت عواید، عدم تقارن اطلاعات با بانک‌ها را کاهش می‌دهد و به دسترسی بنگاه‌ها به وام‌های دولتی کمک می‌کند.

مقدس و رهبر (۱۳۹۵) در تحقیق خود به دنبال بررسی رابطه بین بدهی و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بودند. بدهی به عنوان شاخص ایجاد انگیزه جهت مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در حضور تعهدات مورد سوال قرار می‌گیرد. در این تحقیق جهت تحلیل فرضیات تحقیق داده‌های آماری نمونه‌ای ۱۱۸ شرکت از مجموعه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، به روش حذف سیستماتیک، طی یک دوره زمانی ۵ ساله بین سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده و به روش داده‌های ترکیبی با استفاده از مدل‌های رگرسیونی توسط نرم افزار Eviews7 مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که کل بدهی شرکت و بدهی کوتاه مدت شرکت‌ها با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی غیرجاری رابطه مثبت دارد. همچنین هیچ ارتباطی بین نسبت بدهی به سرمایه با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی غیراختیاری به اثبات نرسیده و در نهایت با در نظر گرفتن بدهی در شرکت‌های زیان‌ده اثر زیان‌ده بودن شرکت‌ها بر رابطه متغیر بدهی بر مدیریت سود نیز به اثبات نرسیده است.

حسین نژاد و شیروانی (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر بدهی کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر نقش فرصت‌های رشد و اهرم مالی) پرداختند. نمونه مورد استفاده تحقیق آن‌ها دربرگیرنده ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ است و برای پردازش و آزمون فرضیات از رگرسیون خطی استفاده کردند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر

ارتباطی معکوس بین سررسید بدهی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین آن‌ها ارتباطی مستقیم و معنادار بین فرصت‌های رشد و اهرم مالی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند.

عباس ذاکری و خدابخشی (۱۳۹۳) به بررسی ارتباط بین سررسید بدهی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پرداختند. در پژوهش آن‌ها جهت شناسایی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، از مدل ارقام تعهدی اختیاری طبق مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است. بدین منظور، نمونه‌ای مشتمل بر ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۱ انتخاب کردند. روش پژوهش آن‌ها از نوع همبستگی است. آزمون فرضیه‌های تحقیق آن‌ها نیز بر اساس روش رگرسیون چند متغیره انجام شده است. با توجه به تحلیل‌ها و فرضیه‌های پژوهش نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن است که سررسید بدهی‌های کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر ندارد.

فرضیات پژوهش

در این پژوهش، رابطه بین استفاده از بدهی بانکی و مدیریت سود شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا و پایین پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد (شرکت‌هایی که در آن IG برابر با یک می‌باشد دارای رتبه اعتباری بالا و شرکت‌هایی که در آن IG برابر با صفر می‌باشد دارای رتبه اعتباری پایین می‌باشند). به این منظور فرضیه‌های زیر طراحی می‌گردد:

فرضیه اول: بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری پایین رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد و به منظور بررسی فرضیه تحقیق و با توجه به ماهیت اطلاعات و داده‌های تحقیق که مبتنی بر اطلاعات واقعی گذشته می‌باشد روش به کار گرفته شده جهت تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای مورد بررسی رگرسیون خطی چند متغیره می‌باشد. تحقیق حاضر از بعد هدف در گروه تحقیقات کاربردی (تصمیم‌گرا) قرار می‌گیرد و از بعد ماهیت در حوزه تحقیقات اصیل (دست اول) قرار دارد.

برای شناخت مبانی نظری، دستیابی به نتایج تحقیقات در گذشته و ادبیات تحقیق به منابع قابل دسترس از طریق کتاب‌ها، مجلات و سایت‌های اینترنتی مراجعه شده است. همچنین داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق حاضر از اسناد و مدارک سازمانی موجود در سامانه جامع اطلاع‌رسانی کدال شامل صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی همراه و گزارش فعالیت هیئت‌مدیره و پایگاه داده‌های تحقیقاتی مالی ایران (سایت IFDC) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین ۱۳ استخراج شده است. داده‌های گردآوری شده مربوط به هر یک از متغیرها در اکسل جمع‌آوری شده است و در نهایت تجزیه تحلیل هم با استفاده از نرم‌افزار Eviews نسخه ۹ انجام گرفت.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

برای اندازه‌گیری متغیر وابسته (مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی) از مدل ۱ و ۲ و برای برازش مدل نهایی و آزمون فرضیه‌ها از مدل (۳) استفاده می‌کنیم.

معادله (۱)، سیمن و فانگک:

$$CA_{i,t} = \beta_1 * (1/ASSETS_{i,t-1}) + \beta_2 * \Delta SALES_{i,t} + \beta_3 * ROA_{i,t-1} + \varepsilon_i$$

CA: اقلام تعهدی جاری را نشان می‌دهد که عبارت است از سود عملیاتی به علاوه استهلاک منهای جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها؛

ASSETS_{t-1}: مجموع دارایی‌ها در ابتدای سال مالی را نشان می‌دهد؛

$\Delta SALES_i$: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل، تقسیم بر کل دارایی‌های

شرکت در ابتدای سال جاری؛

$ROA_{i,t-1}$: بازده دارایی‌های سال قبل (سود عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها)؛

پارامترهای برآورد شده از معادله شماره (۱) برای پیش بینی اقلام تعهدی مورد انتظار (ECA) در معادله دو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

معادله (۲)

$$ECA_{i,t} = \beta_1 * (1/ASSETS_{i,t-1}) + \beta_2 * (\Delta SALES_{i,t} - \Delta AR_{i,t}) + \beta_3 * ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

ECA: اقلام تعهدی مورد انتظار، که با جایگذاری پارامترهای برآورد شده از معادله شماره ۱ و همچنین سایر متغیرهای ارائه شده، در معادله ۲، مقدار اقلام تعهدی مورد انتظار برای سال جاری محاسبه می‌شود.

ΔAR_i : حساب‌های دریافتی سال جاری منهای حساب‌های دریافتی سال قبل تقسیم بر کل دارایی؛

ε_i : باقیمانده‌های مدل رگرسیونی شماره یک می‌باشد؛

نحوه محاسبه سایر متغیرها مطابق معادله شماره (۱) می‌باشد.

به منظور بررسی تأثیر بدهی کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی، از مدل زیر استفاده می‌شود:

معادله (۳)

$$\text{LOGREDCA}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{STDebt}_{i,t} + \beta_2 \text{IG}_{i,t} + \beta_3 \text{STDebt}_{i,t} * \text{IG}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

LOGREDCA: لگاریتم طبیعی قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری جاری (CA) منهای اقلام تعهدی مورد انتظار (ECA) در معادله دو می‌باشد که به عنوان متغیر وابسته یا مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به منظور محاسبه این متغیر، روش پیشنهادی فانگ و گودوین (۲۰۱۳) به کار گرفته می‌شود. در گام نخست، با استفاده از نرم افزار Eviews مدل شماره (۱) برآورد می‌شود. ضرایب محاسبه شده در معادله شماره (۱)، به منظور

بر آورد ارقام تعهدی جاری مورد انتظار شرکت، در معادله شماره (۲) به کار گرفته می شوند (سیمن و فانگ، ۲۰۱۴).

$STDebt_t$: سررسید بدهی که برابر است با نسبت بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت (تسهیلات مالی دریافتی که از قسمت بدهی‌های جاری ترازنامه گرفته شده است) تقسیم بر کل بدهی.

IG: چنانچه اهرم مالی شرکت از اهرم مالی معیار بیشتر باشد مقدار IG یک، در غیر این صورت مقدار آن برابر با صفر خواهد شد. برای محاسبه اهرم مالی معیار، ابتدا نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها را از ماده ۷ دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار، محاسبه می‌کنیم؛ سپس مقدار این نسبت را از یک کم می‌کنیم تا اهرم مالی معیار را بدست آید).

متغیرهای کنترلی (CONTROLS):

در تحقیق پیش رو به منظور برازش صحیح مدل و افزایش دقت نتایج مدل و آزمون فرضیات از ۱۰ متغیر کنترلی (معرفی شده توسط برترین پژوهش‌های خارجی در حوزه پژوهش‌های مدیریت سود و عوامل تأثیر گذار بر آن) به شرح زیر استفاده می‌شود (سیمن و فانگ، ۲۰۱۴).

BIG: چنانچه شرکت توسط سازمان حسابرسی و یا موسسات رتبه الف، حسابرسی شود، مقدار آن یک، و در غیر اینصورت مقدار آن صفر می‌باشد.

SIZE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام عادی شرکت (اندازه شرکت).

LEVERAGE: مجموع دارایی‌ها منهای ارزش دفتری سهام عادی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها.

MB: ارزش بازار سهام عادی تقسیم بر ارزش دفتری سهام عادی.

LOSS: چنانچه شرکت در سال مالی زیان گزارش کند مقدار آن یک، در غیر این صورت صفر می‌باشد.

CFO: جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در اول دوره مالی.

STDSALE: انحراف معیار فروش سال جاری و چهار سال گذشته تقسیم بر مجموع دارایی‌ها در اول دوره مالی

MANOWN: درصد سهام نگهداری شده مدیران در شرکت.

INDPC: درصد مدیران مستقل در هیئت مدیره شرکت.

BSIZE: کل اعضای موظف و غیرموظف در هیئت مدیره.

که معادله ۳ پس از ورود متغیرهای کنترلی به شکل زیر ارائه می‌گردد:

$$\text{LOGREDCA}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{STDebt}_{i,t} + \beta_2 \text{IG}_{i,t} + \beta_3 \text{STDebt}_{i,t} * \text{IG}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \text{BIG} + \text{SIZE} + \text{LEV} + \text{MB} + \text{LOSS} + \text{CFO} + \text{STDSALE} + \text{MANOWN} + \text{INDPC} + \text{BSIZE} + \varepsilon_{i,t}$$

جامعه آماری و نمونه آماری

افراد جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده منتخب در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. با توجه به محدود شدن تعداد جامعه در اثر اعمال محدودیت‌ها، لذا نمونه‌گیری در سطح خطای صفر درصد صورت گرفته است. به بیان دیگر، کلیه‌ی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شده است و روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر روش غربالگری، شامل شرکت‌هایی است که طی دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در بورس فعالیت داشته‌باشند؛ به دلیل همسانی و افزایش قابلیت مقایسه، پایان دوره مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد؛ جزو شرکت‌های صنایع واسطه‌گری مالی، سرمایه‌گذاری، لیزینگ، شرکت‌های بیمه، حمل و نقل و فعالیت‌های ساختمانی نباشند (به دلیل ماهیت متفاوت و خاص فعالیت آن‌ها و همچنین متفاوت بودن نحوه ارائه صورت‌های مالی آن‌ها) و اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در دوره مورد بررسی موجود باشد و وقفه معاملاتی بیش از چهار ماه نداشته باشند.

یافته‌های پژوهش

نگاره (۱)، آمار توصیفی شرکت‌های موجود در نمونه را ارائه می‌نماید. آماره‌های توصیفی مربوط به ۱۳۶ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۸۹-۱۳۹۴) می‌باشد.

نگاره (۱): آمار توصیفی شرکت‌های موجود در نمونه

متغیرها	میان	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی	۰/۳۷۵۸۲	۰/۱۴۱۸۹	۳۴/۵۸۵۲۴	۲/۳۰۰۴۴	۲/۳۰۰۴۴
LOGREDCA					
بدهی‌های کوتاه-مدت	۰/۳۱۲۵۷	۰/۳۲۶۴۸	۰/۸۴۷۳	۰	۰/۲۰۴۸۶
STDebt					
درجه اعتبار شرکت	۰	۰/۳۴۲۰۷	۱	۰	۰/۴۷۴۶۶
IG					
حسابرسی شرکت توسط موسسه حسابرسی بازتبه	۰	۰/۴۷۴۷۳	۱	۰	۴۹/۹۶۲
BIG					
اندازه شرکت	۸/۸۲۷۱۱	۸/۹۶۰۰۵	۱۳/۶۴۱۵	۵/۳۲۴۷۳	۱/۳۴۰۹۱
SIZE					
اهرم مالی	۰/۶۲۰۹۱	۰/۶۱۶۷۹	۲/۵۱۵۵۶	۰/۰۹۰۱۶	۰/۲۲۵۵
LEV					
ارزش بازار سهام عادی/ ارزش دفتری سهام عادی	۰/۷۱۴۹۴	۱/۱۷۱۹۷	۲۷/۰۰۳۴۵	۰/۰۰۰۳۹	۱۸۹۹۲۰۶
MB					
وجود زیان عملیاتی	۰	۰/۱۰۵۹۸	۱	۰	۰/۳۰۷۹۸
LOSS					
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۴۷۰۸	۰/۱۹۵۴۶	۳/۵۲۷۹۶	-۲/۱۰۰۰۵	۰/۳۰۸۰۱
CFO					
انحراف معیار فروش	۱۸۷۴۹۴	۱۸۱۱۹۲۸	۱۱۲۰۰۰۰	۲۱۰۷/۶۸۱	۸۳۰۷۱۲۵
STDSALE					
درصد سهام نگهداری شده مدیران	۰/۶۶	۰/۵۵۳۸۳	۰/۹۹	۰	۰/۳۱۵۱
MANOWN					
درصد مدیران مستقل در هیئت مدیره	۰/۲	۰/۲۷۰۸۶	۱	۰	۵۵/۷۰۴۸
INDPC					
تعداد مدیران در هیئت مدیره	۵	۵/۰۳۶۷۲	۸	۵	۱۷۶۶۶۱/۱
BFSIZE					

میانگین مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی ۳۷٪ می باشد و به طور میانگین نسبت بدهی های بانکی کوتاه مدت به کل بدهی ها ۳۱٪ می باشد که نشان می دهد بدهی های بانکی کوتاه مدت، ۳۱٪ کل بدهی ها را تشکیل می دهد. همچنین از ۸۱۶ مشاهده ۲۷۷ شرکت دارای رتبه اعتباری بالا می باشد (۸۱۶ * ۳۴٪) و در حدود ۴۷٪ از شرکت ها توسط سازمان حسابرسی و موسسات رتبه الف حسابرسی می شوند. همچنین به طور میانگین ۶۶٪ از سهام شرکت ها توسط مدیران نگهداری می شود و ۲۰٪ مدیران در هیئت مدیره را مدیران مستقل تشکیل می دهد.

در این قسمت ابتدا برازش مدل رگرسیون مربوط به مدل آزمون فرضیه ها انجام می شود و سپس نتایج فرضیه ها براساس نگاره شماره (۲) تحلیل می شود.

نگاره (۲): آزمون فرضیه ها

متغیرها	مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی		
	β	T آماره	Prob
C	-۰/۴۳۰۰۱	-۰/۳۳۵۰۸	۰/۷۳۷۷
STDEBT	۰/۴۰۶۸۹۶	۲/۳۳۴۰۰۵	۰/۰۲۰۱
IG	۰/۲۲۷۲۸۷	۳/۲۷۱۳۶۴	۰/۰۰۱۲
STDEBTIG	-۵۱۲۴۹	-۱/۹۰۲۱۸	۰/۰۵۷۸
BIG	-۰/۲۶۴۳۱۹	۰/۴۴۰۶	۰
SIZE	-۰/۰۴۹۵۷	-۱/۴۴۸۸۵	۰/۱۴۸۱
LEV	-۰/۰۸۷۲۳	-۱/۱۶۲۵۶	۰/۲۴۵۷
MB	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۴۳۶	-۰/۸۳۵۷۵	۰/۴۰۳۸
LOSS	-۰/۰۴۵۰۱	-۱/۰۵۳۳	۰/۲۹۲۸
CFO	۰/۰۴۴۶۴۲	۰/۸۳۶۲۱	۰/۴۰۳۵
STDSALE	-۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۴۷	-۰/۱۹۵۳۴	۰/۸۴۵۳
MANOWN	۰/۰۹۸۶۸۵	۰/۸۸۵۶۸۴۷	۰/۳۹۲
INDPC	۰/۸۲۰۱۸	۰/۶۳۹۲۹۶	۰/۵۲۳
BSIZE	۰/۱۸۹۶۹	۰/۸۹۳۹۱۱	۰/۳۷۱۹
R-squared	۰/۱۳۶۹۸۹		
Adjusted R-squared	۰/۱۰۲۱۴۱		
F-statistic	۳/۹۳۱۰۰۲		
Prob (F-statistic)	۰/۰۰		
Durbin-Watson stat	۲/۰۸۹۰۲۸		

مطابق با داده‌های نگاره شماره (۲)، نظر به اینکه سطح معنی داری آماره $F(0/00)$ کم‌تر از $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت رگرسیون معنادار است. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل $0/10$ که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل ۱۰ درصد متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. در این مدل مقدار آماره دورین واتسون $12/08$ است که نشان می‌دهد همبستگی بین خطاها وجود ندارد.

فرضیه اول: شرکت‌های دارای رتبه اعتباری پایین:

H_0 : بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی رابطه وجود دارد.

با توجه به متغیر STDEBT در سطح خطای ۵٪ قدرمطلق آماره $t=2/334005$ مقداری بزرگتر از مقدار بحرانی (۱/۹۶) را نشان می‌دهد همچنین $prob=0/0201$ کوچکتر از $0/05$ می‌باشد؛ در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پذیرفته نمی‌شود در نتیجه رابطه نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری پایین در سطح اطمینان ۹۵ درصد مثبت و معنادار می‌باشد. به عبارتی چون $\beta=0/406896$ می‌توان گفت با افزایش بدهی بانکی کوتاه‌مدت، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی افزایش می‌یابد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات انجام شده توسط مقدس و رهبر (۱۳۹۵) و سیمن و فانگ (۲۰۱۴) سازگار می‌باشد و با مبانی نظری بیان شده در فصل ۲ و نتایج تحقیقات طاهری و داداشی (۱۳۹۴)، حسین‌نژاد و شیروانی (۱۳۹۳) ذاکری و خدابخش‌ی (۱۳۹۳) سازگار نیست و این شاید به این دلیل است که افزایش سطح بدهی در شرکت‌های ایرانی، تمایل مدیران را برای دستکاری سود و در نتیجه تخریب کیفیت سود افزایش می‌دهند زیرا مدیران انگیزه بیشتری دارند تا از طریق دستکاری سود، تصویری مطلوب از وضعیت مالی شرکت ارائه دهند.

فرضیه دوم: شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا:

H_0 : بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی رابطه وجود دارد.

در آزمون فرضیه دوم t محاسبه شده برابر است با عدد $۱/۹۰۲۱۸$ - که قدر مطلق این عدد از ۲ کوچکتر است احتمال محاسبه شده هم برابر است با عدد $۰/۵۷۸$ ($prob > ۰/۰۵$) در نتیجه فرضیه H_0 رد نمی‌شود و بین نظارت از طریق بدهی بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا رابطه وجود ندارد. این نتیجه که مطابق با انتظار ما است این است که شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا، نظارت بیشتری بر سود خود دارند و کمتر با نظارت از طریق بدهی‌های بانکی مرتبط هستند و با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط طاهری و داداشی (۱۳۹۴)، حسین‌نژاد و شیروانی (۱۳۹۳) و ذاکری و خدابخشی (۱۳۹۳) سازگار است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین نظارت از طریق بدهی‌های کوتاه‌مدت و مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش برای محاسبه مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی، در معادله ۱ از طریق جایگذاری ارقام تعهدی سال قبل و همچنین متغیرهای مربوطه در سال قبل، پارامترهای مربوط به متغیرها برآورد شده و سپس در معادله ۲ جایگذاری شده تا ارقام تعهدی مورد انتظار سال جاری محاسبه شود. و در آخر مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی برای برازش در معادله ۳ با استفاده از لگاریتم طبیعی قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری جاری (CA) منهای ارقام تعهدی مورد انتظار (ECA) محاسبه شده که به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. همچنین برای اندازه‌گیری متغیر مستقل یعنی بدهی‌های کوتاه‌مدت از نسبت بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت تقسیم بر کل بدهی‌ها استفاده شده است. دوره بررسی در این پژوهش از سال ۱۳۸۹-۱۳۹۴ و نمونه شامل ۱۳۶ شرکت می‌باشد. برای بررسی فرضیه‌های این پژوهش از مدل رگرسیون

استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین نظارت از طریق بدهی بانکی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری پایین رابطه معناداری وجود دارد که با نتایج تحقیقات انجام شده توسط مقدس و رهبر (۱۳۹۵) و سیمین و فانگ (۲۰۱۴) سازگار و با نتایج تحقیقات طاهری و داداشی (۱۳۹۴)، حسین‌نژاد و شیروانی (۱۳۹۳) و ذاکری و خدابخشی (۱۳۹۳) سازگار نیست. و این شاید به این دلیل است که افزایش سطح بدهی در شرکت‌های ایرانی، تمایل مدیران را برای دستکاری سود و در نتیجه تخریب کیفیت سود افزایش می‌دهند زیرا مدیران انگیزه بیشتری دارند تا از طریق دستکاری سود، تصویری مطلوب از وضعیت مالی شرکت ارائه دهند. همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین نظارت از طریق بدهی بانکی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا رابطه ای مشاهده نشده است که با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط طاهری و داداشی (۱۳۹۴)، حسین‌نژاد و شیروانی (۱۳۹۳) و ذاکری و خدابخشی (۱۳۹۳) سازگار است.

باتوجه به نتایج حاصل شده در این پژوهش به تغییر و اصلاح سیستم فعلی پرداخت وام و اعتبار توسط سیستم بانکی پیشنهاد می‌شود. در حال حاضر در اعطای وام و اعتبار توجه چندانی به صورت‌های مالی شرکت‌ها نمی‌شود و بیشتر اخذ وثیقه مدنظر قرار می‌گیرد. در نتیجه لازم است سیستم فعلی پرداخت وام و اعتبار اصلاح شده و صورت‌های مالی و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جریان اعطای اعتبار بیشتر مدنظر قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در استفاده از صورت‌های مالی بویژه صورت سود و زیان احتمال وجود مدیریت سود را مدنظر قرار دهند و به جای تاکید بر رقم سود ماهیت آن را مورد توجه قرار دهند. از محدودیت‌های تحقیق می‌توان بیان داشت که باتوجه اینکه رابطه بین بدهی‌های بانکی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بایستی در شرکت‌های دارای رتبه اعتباری بالا و پایین بررسی می‌شد و این رتبه‌بندی برای شرکت‌ها در ایران وجود نداشت؛ ما این کار را با توجه به اهرم مالی و نسبت مالکانه موجود در ماده ۷ دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار انجام دادیم. همچنین رتبه‌بندی موسسات حسابرسی برای سال‌های ۸۹ و ۹۰ در دسترس نبود و برای این سال‌ها رتبه‌بندی سال ۹۱ مدنظر قرار گرفت.

پی‌نوشت

منابع

- انصاری، عبدالمهدی و شیرزاد، علی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی سود بر نقدشوندگی سهام و ارزش شرکت. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت: ۳ (۱۱)، ۴۱-۵۴.
- پورزمانی، زهرا و زائری، حسین. (۱۳۸۹). تأثیر مدیریت سود بر مربوط بودن اقلام صورت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی: ۲ (۶) ۳۹-۶۴.
- حسین نژاد و شیروانی؛ (۱۳۹۳). بررسی تأثیر بدهی کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر نقش فرصت‌های رشد و اهرم مالی). پایان نامه کارشناسی ارشد؛ موسسه آموزش عالی غیر انتفاعی و غیر دولتی سمنگان آم - دانشکده مدیریت و حسابداری .
- ذاکری و خدابخشی، (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین سررسید بدهی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی دانشکده حسابداری و مدیریت .
- زارعی، حسین و واحدیان، سعید. (۱۳۹۴). بررسی نقش کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر کارایی سرمایه گذاری. پایان نامه دانشگاه علوم اقتصادی .
- طاهری، بهادر و داداشی، ایمان. (۱۳۹۴). بدهی کوتاه مدت، نظارت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. کنفرانس ملی نوآوری مالی و توسعه مالی .
- مقدس، زهره و رهبر رستگار، نسترن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین بدهی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه .
- نوروش، ایرج و سیاسی، سحر. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز: ۲۳ (۲) ۱۶۵-۱۷۷.
- Ansari, Abdalmahdi. Shirzad, Ali. (2014). the investigation of the effect of earnings management based on accrual and real earnings items on stock liquidity and value of the company. *Journal of Accounting and Audit Management Knowledge*, 3 (11) , 41-54, (in Persian).
- Datta, S. , Iskandar-Datta, M. , Raman, K (2005). Managerial stock ownership and the maturity structure of corporate debt. *Journal of Finance* 60 (5) , 2333-2350.
- Hoseinnezhad. Shirvani. (2014). The investigation of the effect of short-term debt on accruals-based earnings management in companies listed in Tehran Stock Exchange, emphasizing the role of growth

- opportunities and financial leverage. M. A. Dissertation for Non-profit institution of higher education of Samangan (in Persian).
- Moqadas, Zohren and Rahbar Rastegar (2016). Investigate the relationship between the short-term debt and accruals-based profit management in the accepted firms in Tehran's stock exchange. (in Persian).
- Noravesh, Iraj. Sepasi, sahar. (2005). The investigation of the effect of earnings management in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Social Sciences and Humanities*, University of Shiraz, 23 (2). 165-177, (in Persian).
- Pedro J. Garcia-Teruel, Pedro Martinez-Solano, Juan Pedro Sanchez-Ballesta (2014). The role of accruals quality in the access to bank debt. *Journal of Banking & Finance* 38 (1) , 186-193.
- Purzamani, Zahra. Zaeri, Hosein. (2010). The effect of earnings management on the relevance of the items of financial statements. *Financial Accounting and Audit Researches*: 2 (6) ,39-63, (in Persian).
- Simon Y. K. Fung a. John Goodwin (2014). Short-term debt maturity, monitoring and accruals-based earnings management. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, (2013) 9 (1). 67-82.
- Taheri, Bahador and Dadashi, Iman (2015). Short-term debt, and accruals-based profit management and supervision. national conference for financial innovation and financial development. (in Persian)
- Zakeri and Khodabakhshi (2014). Investigate the relationship between short-term debt maturity and accruals-based profit management. thesis for Master; Islamic Azad University of Garmsi, Faculty of Accounting and Management (in Persian).
- Zarei, Hussein and Vahedian, Saeid (2015). Investigate the role of financial reporting quality and debt maturity on the investment efficiency. thesis of economic university (in Persian)

Monitoring through Short-Term Debts And Accrual-Based Earnings Management

Seyed Ali Hosseini¹, Maryam Fallah Joshaghani²

Received : 2017/09/16

Approved: 2017/12/26

Abstract

Earnings Management is a deliberate manipulation of financial reporting in order to achieve an expected level of earnings. So, earnings may increase, decrease or smooth based on various management's goals and objectives to mislead the stakeholders. It seems that the short-term debt structure can have regulatory benefits because it leads to greater monitoring by creditors and, as a result, reduces the earnings management. The purpose of this study is to investigate the effect of monitoring through short-term debts on accrual-based earnings management. The sample consists of 136 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2010 to 2015. The discretionary accruals criterion calculated using Simon and Fang model (2014), is applied to measure accruals-based earnings management. The research method is the correlation method and data analysis method is the multivariate regression model. Results indicate that there is a significant relation between short-term bank debts and accruals-based earnings management in low-rated firms. Also, Findings show that there is no significant relation between short-term bank debts and accruals-based earnings management in high-risk firms.

Keywords: Accruals-based earnings management, Short-term debts, Monitoring, Agency cost.

Jel clacification: M41

DOI: 10.22051/jera.2018.17246.1789

¹ Assistant professor of Accounting, Alzahra university, Tehran, Iran, corresponding author, (a.hosseini@alzahra.ac.ir)

² MSc. of Accounting, Alzahra university, Tehran, Iran, (fallah.m.70@gmail.com)